

مقدمه

جای خوشحالی است که تاکنون آثاری چند در حوزه فلسفه اخلاق به زبان فارسی منتشر شده است؛ هر چند سهم ترجمه بسی بیش از تألیف بوده است. بسط، نهادینه‌سازی و بومی کردن یک سنت فلسفی در میان ما مستلزم برداشتن گام‌هایی است. گام نخست حسن انتخاب و ترجمه آثار مفید و آموزشی در سنت مورد نظر است. این امر مخاطبان را با مفاهیم و آموزه‌های محوری آن سنت آشنا خواهد کرد. گام بعدی تألیف مقالات و کتاب‌هایی درباره مؤلفه‌ها، مقومات و مفاهیم سنت مورد نظر به زبان مادری است. این مهم دیگران را مدد می‌رساند تا بتوانند در آن سنت فلسفی به زبان مادری بیندیشند. هم‌زمان با این امر، تنظیم و تنسيق گفتارهای درسی‌ای که متخصصان درباره موضوعات متعدد آن سنت فلسفی القاء کرده‌اند مفید فایده است. این امر نیز فلسفه پژوهان را یاری می‌رساند تا تأملات خویش را در این وادی به نیکی صورت‌بندی کرده، با دیگران در میان گذارند. بدون تردید، هرچه مشارکت اهل فلسفه در این میان بیشتر شود، ذخیره واژگانی فلسفی ما غنی‌تر شده، بحث و گفت‌وگو و تبادل آراء سهل‌تر و مفیدتر خواهد شد. نگارنده این سطور، طی چند سال گذشته، به تدریس فلسفه اخلاق در مقاطع لیسانس، فوق‌لیسانس و دکتری، در دانشگاه‌های مفید قم، شهید بهشتی و آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات)، پرداخته و، علاوه بر آن، در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و مؤسسه معرفت و پژوهش نیز به تدریس فلسفه اخلاق همت گماشته است. کتاب پیش‌رو صورت منقح دروس فلسفه اخلاقی است که طی دو ترم در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران (مهر ۸۶ - تیر ۸۷) القاء شده است. در این برنامه درسی، عموماً برخی از مباحث جاری و ساری در دو شاخه فرا اخلاق^۱ و اخلاق هنجاری^۲ انتخاب شده و شرح و بسط آنها آمده است. از آنجا که فرا اخلاق انتزاعی‌ترین و فلسفی‌ترین بخش فلسفه اخلاق است، سهم معتنا بهی از این دروس و کتاب پیش‌رو درباره فرا اخلاق و شاخه‌های مختلف آن است. فرا اخلاق مشتمل بر سه شاخه وجودشناسی اخلاقی^۳، معرفت‌شناسی اخلاقی^۴ و دلالت‌شناسی اخلاقی^۵ است. به عنوان مثال، بحث از وجود یا عدم وجود اوصاف سبک اخلاقی‌ای^۶ نظیر خوبی، بدی، باید، نباید و ... در جهان پیرامون و چگونگی تعیین آنها (در صورت وجود) در وجودشناسی اخلاقی پیگیری می‌شود. صدق و کذب‌بردار بودن یا نبودن دعاوی اخلاقی در معرفت‌شناسی اخلاقی مطرح می‌شود. شناخت‌گرایان^۷ بر این باورند که مدعیات اخلاقی صدق و کذب‌بردارند و می‌توان صدق و کذب را بر آنها حمل کرد. در مقابل، ناشناخت‌گراها^۸ دعاوی اخلاقی را معرفت‌بخش نمی‌دانند. همچنین تعیین منابع معرفت اخلاقی و چگونگی توجیه مدعیات اخلاقی نیز در معرفت‌شناسی اخلاقی بررسی می‌شود. از سوی دیگر، حدود و ثغور معنای مفاهیم اخلاقی در دلالت‌شناسی اخلاقی مطرح می‌شود. به‌عنوان مثال، مفهومی نظیر خوبی را در نظر آوریم. «خوب» مفهومی است که در سیاق‌های اخلاقی بسیار به کار می‌رود: «وفای به عهد خوب است» یا

1. meta-ethics
2. normative ethics
3. moral ontology
4. moral epistemology
5. moral semantics
6. thin moral properties
7. cognitivists
8. non - cognitivists

«نجات جان دختر بچه‌ای که در حال غرق شدن است خوب است». دو پرسش درخور توجه در این میان این است: معنایی که بر واژه خوبی در این سیاق‌ها مترتب می‌شود چه تفاوتی دارد با معنایی که بر این واژه در سیاق‌های غیر اخلاقی‌ای نظیر «دیشب کنار دریا نسیم خوبی می‌وزید» و «برادرم خط خوبی دارد» مترتب می‌شود؟ علاوه بر این، آیا می‌توان مفهوم خوبی را بر حسب مؤلفه‌های آن تعریف کرد و از آن تعیین مراد کرد؟ یا، چنانکه مور می‌گوید، آیا «خوبی» مفهومی است غیرقابل تحویل به سایر مؤلفه‌ها و تصورات؟ جلسه نخست از این درس گفتارها به «واقع‌گرایی اخلاقی»^۹ اختصاص دارد. اقسام واقع‌گرایی اخلاقی (فوق طبیعت‌گرایی^{۱۰}، طبیعت‌گرایی^{۱۱} و ناطبیعت‌گرایی^{۱۲}) و ربط و نسبت آن با شناخت‌گرایی^{۱۳} در این میان مطرح می‌شود.

علاوه بر این، برای آشنایی با تقریر کم و بیش بومی این مبحث، آراء اخلاقی مرحوم طباطبایی نیز توضیح داده شده است. بحث از تعمیم‌پذیری^{۱۴} و کلیت‌پذیری^{۱۵} دعاوی اخلاقی از دیگر مباحث مهمی است که در وجودشناسی اخلاقی مطرح می‌شود. خاص‌گرایان^{۱۶}، برخلاف عام‌گرایان^{۱۷}، بر این رأی‌اند که چیزی تحت عنوان اصول اخلاقی وجود ندارد و رفتار دلایل اخلاقی کاملاً وابسته به سیاق است؛ بدین معنا که رفتار دلیلی نظیر «وفای به عهد» از سیاقی به سیاق دیگر می‌تواند تغییر کند؛ یعنی «وفای به عهد» می‌تواند در یک سیاق خصوصیتی درست‌ساز باشد و در سیاقی دیگر خصوصیتی نادرست‌ساز. در عین حال، فیلسوفی مثل هیر، که قائل به تجویز‌گرایی است، بر این باور است که دعاوی اخلاقی هم عام‌اند و هم کلیت‌پذیر. جلسات دوم و سوم معطوف به بحث درباره خاص‌گرایی و تجویز‌گرایی است.

پس از بحث‌های وجودشناختی نوبت به مقولات^{۱۸} معرفت‌شناختی می‌رسد. مکی، فیلسوف اخلاق معاصر، در حوزه اخلاق قائل به نظریه خطا^{۱۹} است. مطابق با این نظریه، از آنجا که خصوصیات اخلاقی‌ای نظیر خوبی و بدی، اگر وجود داشته باشند، خصوصیات عجیب و غریب‌اند^{۲۰}، به همین دلیل ذهن ما در احراز حجیت معرفت‌شناختی دعاوی اخلاقی به نحو نظام‌مند^{۲۱} خطا می‌کند. لازمه سخن فوق این است که ما معرفت اخلاقی نداریم و در وادی اخلاق شکاک هستیم. تبیین و بررسی ادله مکی در جلسه چهارم به بحث گذاشته شده است.

در معرفت‌شناسی اخلاقی، یکی از مکاتبی که با شکاکیت بر سر مهر نیست و قائل به معرفت اخلاقی است شهودگرایی^{۲۲} است. فیلسوف شهودگرایی مثل راس، با مدد گرفتن از روش استقراء شهودی^{۲۳}، تبیینی برای حجیت معرفت‌شناختی دعاوی اخلاقی به دست می‌دهد. در عین حال، وی برخلاف شهودگرای معتدلی^{۲۴} نظیر آئودی، که به خطا‌پذیری^{۲۵} دعاوی شهودی باور دارد، قائل به خطاناپذیری^{۲۶} مدعیات شهودی است. جلسه پنجم متکفل بررسی نظریه شهودگرایی و آراء دو تن از شهودگرایان کلاسیک قرن بیستم، مور و راس، است.

9. moral realism
10. super naturalism
11. naturalism
12. non- naturalism
13. cognitivism
14. generalizability
15. universalizability
16. particularists
17. generalists
18. categories
19. error theory
20. queer entities
21. systematic
22. intuitionism
23. intuitive induction
24. moderate intuitionist
25. fallibility
26. infallibility

پس از مقولات معرفت‌شناختی، پای دلالت‌شناسی اخلاقی به میان کشیده می‌شود. عاطفه‌گرایی^{۲۷} موضوع جلسه ششم و یکی از مکاتبی است که، با تأکید بر معانی مفاهیم اخلاقی و چگونگی دلالت آنها بر مصادیق و مدلول‌های خود، درباره گزاره‌های اخلاقی اتخاذ موضع کرده است. ائر و استیونسون، که از قهرمانان این نحله‌اند، با مدنظر قرار دادن آموزه‌های رساله‌منطقی-فلسفی ویتگنشتاین، بر صدق و کذب‌بردار نبودن دعاوی اخلاقی تأکید کردند. بنابر آموزه‌های ویتگنشتاین متقدم، زبان ماهیت گزاره‌ای دارد و گزاره ماهیت تصویری^{۲۸} مدلول سخن فوق این است که گزاره‌هایی که فاقد تصویرند فاقد معنی‌اند. در عین حال، در این تلقی صدق و کذب فرع بر معناداری‌اند؛ به طوری که بحث از صدق و کذب گزاره‌های فاقد معنا بی‌وجه است و سالبه به انتفاء موضوع. حال از آنجا که گزاره‌های اخلاقی معطوف به وضعیت‌های امور ممکن^{۲۹} نیستند، فاقد تصویرند و صدق و کذب‌بردار نیستند. عاطفه‌گرایان بر صدق و کذب‌بردار نبودن دعاوی اخلاقی و ناظر به احساسات و عواطف بودن آنها تأکید می‌کنند.

بحث از رابطه میان دین و اخلاق آخرین موضوع از موضوعات فرا اخلاقی این مجموعه است. آیا اخلاق بر دین متکی است؟ آیا از منظر وجودشناسانه، تعیین و تحقق اوصاف اخلاقی‌ای نظیر خوبی، بدی، باید، نباید و... در جهان پیرامون متوقف بر تعلق اراده خداوند بدان‌ها در رتبه سابق است؟ آیا برای احراز حجیت معرفت‌شناختی گزاره‌های اخلاقی لزوماً باید به متون دینی مراجعه کرد؟ آیا عقل^{۳۰} مستقل از وحی می‌تواند منشاء صدور احکام اخلاقی موجه باشد؟ در جلسه هفتم، با تفکیک منظرهای وجودشناختی، معرفت‌شناختی، دلالت‌شناختی و روان‌شناختی، رابطه میان دین و اخلاق کاویده شده است.

پس از موضوعات فرا اخلاقی وارد مباحث اخلاق هنجاری می‌شویم. موضوع جلسه هشتم اخلاق وظیفه‌گراست^{۳۱}. کانت، فیلسوف بزرگ آلمانی، که می‌توان او را پدر وظیفه‌گرایی قلمداد کرد، با تفکیک میان عقل نظری و عقل عملی، احکام اخلاقی را در عداد فرمان‌های عقل عملی می‌انگاشت. نزد وی، اخلاق نسبتی با جهان پیرامون ندارد و احکام اخلاقی مطلق‌اند و لایتخلف؛ احکامی که تجربی نیستند و بدون در نظر گرفتن آثار و نتایج مترتب بر انجام یا ترک یک فعل به دست می‌آیند. حدود و ثغور اخلاق کانتی و تنسیق‌های چندگانه امر مطلق^{۳۲} در این میان مورد بحث قرار گرفته است.

پس از مبحث وظیفه‌گرایی به نتیجه‌گرایی^{۳۳} می‌پردازیم. برخلاف وظیفه‌گرایی، آنچه در اخلاق نتیجه‌گرایانه اهمیت بیشتری دارد، عطف نظر به آثار و نتایج مترتب بر انجام یا ترک فعل است. خودمحوری^{۳۴} و فایده‌گرایی^{۳۵} از اقسام نتیجه‌گرایی‌اند. در خود محوری کسب سود و دفع ضرر شخصی مدنظر است. در مقابل، در فایده‌گرایی بیشینه شدن خوشبختی و فایده و کمینه شدن درد و رنج برای اکثریت افراد جامعه مدخلیت تام دارد. در جلسه نهم، پس از ذکر و تبیین اقسام نتیجه‌گرایی، از فایده‌گرایی به روایت بتام و میل، به عنوان دو قرائت مهم و کلاسیک از فایده‌گرایی، بحث می‌شود.

راس در دهه‌های نخست قرن بیستم کوشید تا مکتبی نو را بنیان گذارد که هم متضمن بصیرت‌های وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی باشد و هم عاری از نواقص و عیوب آن دو. دستگاه اخلاقی او، که به نظریه «اخلاق وظایف در نظر اول»^{۳۶} موسوم است، با تفکیک میان «وظایف در نظر اول»^{۳۷} و

27. emotivism
28. pictorial
29. possible state of affairs
30. reason
31. deontologistic ethics
32. categorical imperative
33. consequentialism
34. egoism
35. utilitarianism
36. the ethics of prima facie duties
37. prima facie duties

«وظایف واقعی»^{۳۸} و به دست دادن فهرستی از وظایف در نظر اول، بر آن است تا نواقص اخلاق وظیفه‌گرا و نتیجه‌گرا را برطرف کرده، راهکاری برای رسیدن به داوری‌های اخلاقی موجه اقامه کند. مؤلفه‌های مختلف دستگاه اخلاقی راس در جلسه دهم بررسی می‌شود.

پس از اخلاق وظیفه‌گرا، نتیجه‌گرا و اخلاق راسی، نوبت به اخلاق فضیلت‌گرا می‌رسد. در نیمه دوم قرن بیستم، الیزابت انسکوم، با نوشتن مقاله «فلسفه اخلاق مدرن»^{۳۹}، توجه فلاسفه اخلاق مغرب زمین را به اهمیت مفهوم فضیلت^{۴۰} در نظریه‌پردازی‌های اخلاقی جلب کرد. فضیلت‌گرایی، که نسب از ارسطو می‌برد و در قرن بیستم نمایندگانی چون مک‌داول، فوت و اسلات دارد، بیش از اصول اخلاقی، بر فاعل اخلاقی تأکید می‌کند. مطابق با رأی فضیلت‌گراها، بسیاری از مشکلات اخلاقی کنونی جهان، بیش از آنکه ناشی از عدم آشنایی با اصول و آموزه‌های اخلاقی باشد، به دلیل عدم نهادینه شدن و به‌کار برده شدن آنها از جانب کنشگرهای اخلاقی است. از این رو، اخلاق به‌جای اصل محوری باید فاعل محور باشد. تفاوت اخلاق فضیلت‌گرا با اخلاق وظیفه‌گرا و نتیجه‌گرا و مؤلفه‌های گوناگون اخلاق فضیلت‌گرا در جلسه یازدهم مطرح می‌شود.

اخلاق فمینیستی از دیگر مباحثی است که اخیراً در اخلاق هنجاری مطرح شده است. در قرن نوزدهم، جنبش فمینیستی در مغرب زمین، برای به دست آوردن حقوق زنان، تساوی حقوق زن و مرد و اموری از این دست، برپا شد، اما در قرن بیستم در این حد باقی نماند و، علاوه بر صبغه اجتماعی-سیاسی، صبغه فلسفی آن پررنگ‌تر شد. از منظر فلسفی، با مدنظر قرار دادن کارهایی که در روان‌شناسی تجربی در این حوزه انجام شده است، فمینیست‌ها بر این رأی‌اند که زبان و ذخیره واژگانی اخلاقی ما بیشتر مردانه است و خصوصیات زنانه در آن کمتر دیده می‌شود. یکی از مفاهیم محوری که در گفتار اخلاق مردانه غایب است مفهوم مراقبت^{۴۱} است، که بنا بر رأی فمینیست‌ها، برای رسیدن به سپهر اخلاقی مطلوب و جامع، باید آن را به طریقی در نظر آورد. البته، برخی از فمینیست‌ها بر این رأی‌اند که گفتار اخلاق زنانه باید جایگزین اخلاق مردانه شود و برخی دیگر بر نقش تکمیلی اخلاق فمینیستی تأکید می‌کنند. درباره اقسام اخلاق فمینیستی و آموزه‌ها و مؤلفه‌های آن در جلسه دوازدهم سخن گفته شده است.

برخلاف شیوه غالب کتاب، جلسه آخر به مقوله‌ای می‌پردازد که ابتدا در سنت فلسفه قاره‌ای صورت‌بندی شده است. لویناس، فیلسوف پدیدارشناس معاصر فرانسوی، که شارح هایدگر و هوسرل بود و نخستین کتاب درباره آراء هایدگر را هم او به زبان فرانسوی نوشت، می‌کوشد تا با وام گرفتن مفهوم «دیگری»^{۴۲} و به میان کشیدن مفهوم دگرآیینی^{۴۳}، اخلاق لیبرالی مبتنی بر مفهوم خودآیینی^{۴۴} را نقد کند. اخلاق کانتی، به مثابه نمادی از اخلاق لیبرال، با تأکید بیش از حد بر مفاهیم خودآیینی و سوژه^{۴۵} متافیزیکی، در تنسيق و تقریر آموزه‌های اخلاقی خویش نیازی به درمیان آوردن «دیگری» نمی‌بیند، حال آنکه نزد لویناس، اخلاق اساساً با دیگری و به میان کشیدن او آغاز می‌شود. در واقع، «دیگری» شرط تکون اخلاق و از خود به درآمدن است. از آنجا که در این مجموعه پیشتر از اخلاق کانتی بحث شده است، نقد لویناس بر اخلاق کانتی می‌تواند در خور تأمل و عبرت‌آموز باشد.

همان‌طور که ذکر شد، کتاب پیش‌رو مجموعه درس‌گفتارهای نویسنده در دو حوزه فرا اخلاق و اخلاق هنجاری است. امید است به مدد بخت، در آینده‌ای نه چندان دور، در حوزه اخلاق کاربردی نیز مجموعه

38. actual duties

39. "Modern Moral Philosophy"

40. virtue

41. care

42. otherness

43. heteronomy

44. autonomy

45. subject

دروس دیگری، با تأکید بر اخلاق پزشکی و اخلاق کسب و کار، به دست انتشار سپرده شود. از آنجا که کتاب حاضر شأن آموزشی و تعلیمی دارد، آموزه‌های آن، برخلاف شیوه مقالات علمی-تخصصی، به دور از ایجاز و با ذکر توضیحات و مثال‌هایی چند بیان شده‌اند. همچنین، در خلال هر جلسه، به اقتضای مقام و برای ایضاح بیشتر مطلب، پرسش‌هایی که دانشجویان مطرح کرده‌اند گنجانده شده است. علاوه بر آن، برای تنسيق نهایی این مجموعه به منابع متعددی مراجعه شده است که، برای سهولت کار خوانندگان محترم، در انتهای هر فصل، به این منابع جهت مطالعه بیشتر ارجاع داده شده است. در انتها، لازم است از دوستان و همکاران عزیز، آقایان هومن پناهنده، محمدحسین دباغ، دکتر حسین شیخ رضایی، ابوالفضل صبرآمیز و محمدمنصور هاشمی، که نکاتی را جهت بهبود کار متذکر شدند، تشکر کنم. در عین حال، در تنظیم مطالب جلسه آخر از بحث و گفتگو با دیگر دوست عزیزم، دکتر مسعود علیا، بهره زیادی بردم. علاوه بر این، از آقای فرشاد مزدرانی و خصوصاً سرکار خانم سمیه ربیعی، که زحمت فراوانی برای ویراستاری کتاب متقبل شدند، صمیمانه سپاسگزارم. همچنین از دانشجویان محترم، آقای حامد فراهانی و خانم‌ها ملیحه احسانی و زینب ربیعی، که در پیاده‌کردن و آماده‌سازی اولیه متون از هیچ کوششی فروگذار نکردند، ممنونم. از سرکار خانم سمیه پناهی و آقای بهزاد محمدی نیز، برای حروف-چینی و صفحه‌آرایی کتاب حاضر، متشکرم. در انتها، ارج می‌نهم زحمات آقای محمد رزمی، مدیر انتشارات صراط، را برای نشر این اثر.

درس‌گفتارهایی در فلسفه اخلاق گامی است در جهت بومی‌سازی آموزه‌های فلسفه اخلاق در میان ما. امیدوارم مورد اعتنای کسانی که دل‌مشغول فلسفه‌اند و به‌ویژه دلی در گرو فلسفه اخلاق دارند واقع شود. مایه دلگرمی و خرسندی نویسنده خواهد بود اگر اهل نظر نواقص احتمالی کار را متذکر شوند تا در آینده نسخه منقح‌تری عرضه گردد.